

دستورالعمل های قرآنی؛ ارکان سیر و سلوک (عمل صالح)

نویسنده : محمد عبداللهیان

۳۰

در شماره های پیشین «بشارت» از سه رکن سیر و سلوک (عزم، ایمان و پارسایی) سخن به میان آمد و به طور مفصل، مطالبی در مورد آنها بیان شد، رکن چهارم سیر و سلوک که باید انسان آن را بشناسد و در عمل خویش متبلور سازد، عمل صالح می باشد.

قرآن کریم در این زمینه بسیار سخن گفته و در آیات بسیاری مؤمنان را به عمل صالح سفارش کرده است؛ زیرا در واقع، همه خوبی ها و روحیات و خصلت های نیک و نیت ها و اندیشه های پسندیده، حقیقت خود را در عمل نشان می دهند. در زندگی، گاهی با انسان هایی روبرو می شویم که خود را صاحب اخلاق نیک می دانند و مدعی هستند که خلوت ها و ارتباط های بسیاری با خدای خود دارند، اما همین که به صحنه عمل می آیند و با آنها معاشرت و نشست و برخاست می کنیم، کوچک ترین اثری از آن معنویت ها و خلوت های ادعا شده در رفتار آنها نمی یابیم. اینجاست که معلوم می شود، همه آن عبادت ها، چیزی جز لقلقه زبان نبوده و نتوانسته است، تغییری بنیادی در فرد به وجود آورد و روح و اخلاق او را بلند و متعالی سازد.

بنابراین، می توان گفت: میدان عمل آئینه ای است که نیت ها و خصلت های باطنی انسان را در خود می نمایاند و نشان می دهد که ادعاهای آدمی تا چه اندازه واقعی است به همین خاطر قرآن کریم نسبت به عمل صالح بسیار توصیه کرده که این سفارش ها همواره در پی توصیه به ایمان می باشد، به این معنی که این مؤمنان هستند که عمل صالح انجام می دهند. بر این اساس می توان گفت: اگر چه «سیر و سلوک الی الله» یک امر باطنی و رابطه درونی میان انسان و خداست، اما رکن آن عمل صالح است که نشان می دهد انسان تا چه اندازه در حرکت باطنی اش موفق بوده و روحش را با روح ایمان و عبادت پیوند داده است؛ و نیز آثار بسیار مثبتی را به همراه دارد و که حرکت معنوی را تقویت می کند.

از طرف دیگر، عمل صالح در جامعه و در ارتباط با دیگر انسان ها تحقق می یابد و فرد برای انجام عمل صالح در مدار ارتباط با دیگران قرار می گیرد. در این ارتباط هاست که خصلت های ناپیدای انسان از نهان خانه وجود او بیرون می آیند و خود را نشان می دهند، مثلاً در ارتباط و رفتار فرد یا دیگران است که، می توان فهمید که او متکبر است یا متواضع؟ ریا کار است یا مخلص؟

بنابراین، برای انسان مراقب و مؤمن، صحنه اجتماع، صحنه بروز خصلت های ناپسند است که او با پی بردن به آنها تلاش می کند آنها را از درون خود ریشه کن سازد.

پس، بی جهت نیست که عمل صالح را رکن سیر و سلوک می نامیم؛ زیرا از سویی، خصلت های روحی و حقیقت وجود فرد را در رفتار او نشان می دهد و از سوی دیگر، با آثاری که در پی دارد، موجب تقویت رکن معنوی و سیر و سلوک آدمی در این مسیر می شود. افزون بر این ها، خصلت های زشت و ناپسند را از کمون (قسمت های ناپیدای) وجود انسان آشکار می کند تا انسان با برطرف ساختن آنها، در سیر و سلوک توفیق یابد.

حال با توجه به اهمیت و کارکردهای اساسی عمل صالح، باید دید که معنای عمل صالح چیست؟

برخی آن را به معنای عمل خالص؛ یعنی عملی که تنها برای خدا و خشنود ساختن او انجام می گیرد، معنا کرده اند و برخی دیگر معنایی سخت و دشوار برای آن ارائه داده اند، به طوری که انجام آن دور از توان می نماید و انسان از انجام آن مایوس و منصرف می شود.

بنابراین، برای انجام عمل صالح، پیش از هر چیز، باید معنای آن را به درستی شناخت.

در این باب دیدگاه های گوناگونی وجود دارد:

بر اساس دیدگاه برخی، عمل صالح، عملی است که در روح و روان دیگران اثر بگذارد و رفتار و روحیه آنها را تغییر دهد و در مقابل آن، عمل حسن است که یک نوع عمل خدماتی است که به منظور رفاه زندگی و جسم دیگران انجام می گیرد که بنابراین این تعریف، امر آموزش که در قالب معلمی، استادی و مانند اینها جای می گیرد، عمل صالح به شمار می رود، اما تأمین معیشت دیگران و یا رسیدگی به حال آنها و کمک به مستمندان از جمله اعمال صالح به شمار نمی رود، بلکه در دایره عمل حسن قرار می گیرد، به عنوان نمونه دهی را در نظر بگیرید که به آب رسانی، آسفالت کوچه و خیابان ها نیازمند است، همچنین مستمندانی در آن زندگی می کنند که نیاز به کمک دارند که بر اساس دیدگاه مزبور، تلاش در جهت برطرف کردن این نیازها، عمل حسن نامیده می شود، اما عمل کسانی که در این ده، در جهت رشد فکری مردم تلاش می کنند و به آنها آموزش می دهند، عمل صالح به شمار می رود.

به طور خلاصه می توان گفت: این دیدگاه هر کاری را که در ارتباط با جسم و مادیات باشد، عمل حسن و هر کاری را که در خدمت به رشد روح و فکر صورت بگیرد و شخصیت انسان را تغییر و تعالی دهد، عمل صالح تلقی می کند.

در برابر این دیدگاه، دیدگاه دیگری وجود دارد که عمل صالح را برخاسته از ایمان به خداوند می داند و هر عملی را که از اعتقاد به خداوند سرچشمه گرفته باشد، عمل صالح می نامند، تفاوتی هم نمی کند، نتیجه آن خدمت به روح باشد، یا خدمت به جسم.

این دیدگاه با مراجعه به آیات و روایات روشن تر می شود به طوری که می توان گفت این دیدگاه از آیات و روایات سرچشمه گرفته است. چنان که در قرآن کریم همواره عمل صالح به دنبال ایمان آمده است که برای نمونه به چند مورد از آن در زیر اشاره می کنیم:

(و بشر الذین آمنوا و عملوا الصالحات...).(سوره بقره، ایه ۲۵)

(من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً...).(سوره بقره، ایه ۶۲)

(فامّا من تاب و آمن و عمل صالحاً...).(سوره قصص، ایه ۶۷)

(انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات النعیم).(سوره لقمان، ایه ۸)

در توضیح تفاوت این دو دیدگاه باید گفت: هر عملی، هم دارای منشاء و انگیزه است و هم اثر و نتیجه ای را در پی دارد. دیدگاه اول عمل صالح را با توجه به اثر آن تفسیر می کند و عملی را که دارای اثر روحی می باشد و هدف آن تغییر و تکامل روح است، عمل صالح می داند، اما دیدگاه دوم به انگیزه و منشأ عمل توجه می کند و معتقد است که عملی که برخاسته از ایمان به خدا باشد و با هدف خشنودی خدا انجام گیرد، عمل صالح است، چه در جهت خدمت به جسم انسان باشد چه در جهت خدمت به روح.

بنابراین، می توان عمل انسان را به چهار گونه تقسیم کرد:

۱. عمل خالص؛ ۲. عمل صالح؛ ۳. عمل حسن؛ ۴. عمل ریائی.

که برترین آنها عمل خالص است، به ویژه زمانی که پنهان و دور از چشم دیگران انجام گیرد. و پایین ترین نوع عمل که پیامدی جز فرو رفتن در ظلمت ندارد، عمل ریائی است.

از آنجایی که هدف، پی بردن به حقیقت عمل صالح است، لازم است، هر یک از این اعمال را مورد بررسی قرار دهیم و حدود آن را به درستی بشناسیم، تا به مفهوم عمل صالح پی ببریم. ابتدا به بیان مفهوم ریا می پردازیم.

«ریا عملی است که انجام دهنده آن به جای جلب نظر خداوند، به دنبال جلب نظر اطرافیان است و تلاش می کند تا با انجام آن عمل، موقعیت و جایگاه خود را در نظر و ذهن دیگران بالا برد که به این گونه رفتار، تظاهر یا خودنمایی گفته می شود.»

همه، خوب می دانیم که هر عملی که شائبه ریا پیدا کند و به قصد خودنمایی انجام گیرد، هر چند که از نظر ظاهر در شمار اعمال بسیار نیک و بزرگ قرار داشته و دشواری های زیادی را بر شخص تحمیل کرده باشد، اما هیچ گونه پاداشی را نصیب فرد نمی کند و انجام دهنده آن، از عمل خویش دست خالی بیرون می آید. به عنوان نمونه اگر کسی به جهاد برود و تمام دشواری های آن را به خاطر خدا تحمل کند و از جان و مال و فرزندش در راه پروردگار بگذرد، مسلماً از پاداش بسیار بالایی در نزد پروردگار و جایگاه ارزشمندی برخوردار خواهد شد و چنانچه شهید شود به بالاترین مقام ممکن یعنی «لقاء الله» خواهد رسید، اما چنانچه همین شخص همه این کارها را برای خودنمایی و دستیابی به جاه و مقام دنیوی انجام داده باشد، با وجود تحمل آن همه سختی، نه تنها از کوچک ترین پاداشی در نزد خدا برخوردار نخواهد شد بلکه به عقاب خداوند دچار می شود و حتی اگر در میدان نبرد گشته شود به مرتبه شهدا نمی رسد.

و حال باید دانست که ریا دارای اقسام و اشکالی گوناگون می باشد.

از جمله: ۱. ریا در اعمال عبادی، ۲. ریا در اعتقادات و صفات و خصلت های روحی

زیرا گاهی دیده می شود که یک فرد، کاری را برای خودنمایی به دیگران انجام می دهد و گاهی هم روحیه و خصلت ها و اعتقاداتش (مثل روحیه دین داری یا عقیده و خداشناسی اش) را به دیگران نشان می دهد که هر دو این اعمال ریا نامیده می شود.

البته گفتنی است که اثر ریا در باورها و خصلت های روحی بسیار خطرناک تر است. به عنوان نمونه، اگر شخصی که از خصلت توکل برخوردار است، تلاش کند تا این خصلت و روحیه اش را به دیگران نشان بدهد، پس از مدتی، این حالت توکل را از دست خواهد داد. همچنین اگر شخصی که شب زنده داری می کند و به خواندن نماز شب می پردازد، خصلت تهجدش را به رخ دیگران بکشد، کم کم، توفیق خواندن نماز شب و حال خوشی که از خواندن آن نماز به دست می آورد، از دست می دهد.

بنابراین، ریا در زمینه عقاید و کمال های روحی به مراتب خطرناک تر از ریا در اعمال ظاهری و عبادات می باشد.

تقسیم دیگری نیز برای ریا وجود دارد که آن عبارت است از ریای پیش از عمل و ریای بعد از عمل.

آنچه در تعریف ریا گفته شد که ریا عبارت است از انجام کارهای نیک با انگیزه غیر خدایی و به منظور خودنمایی به دیگران، همان ریای پیش از عمل است.

اما در تعریف ریای پس از عمل باید گفت: گاهی انسان عملی را در نهایت اخلاص و تنها برای خشنودی خدا انجام می دهد، اما پس از گذشت مدتی از آن، اندیشه خودنمایی با این عمل به ذهن او خطور می کند و او با به زبان

آوردن آن و خودستایی (تعریف) از خود مرتبه عمل خود را پایین می آورد و پاداش و ثواب آن را از دست می دهد.

بیشتر انسان ها، در برهه ای از زندگی خود در شرایطی قرار گرفته اند که کاری را برای خشنودی خداوند انجام داده اند. مسلماً اگر آنها بتوانند خلوص عملشان را تا قیامت حفظ کنند و آن را از آفت خودنمایی به دور دارند، این عمل آنها ذخیره خوبی برای آخرتشان خواهد شد و پاداش و جایگاه نیکویی را برای آنها به همراه خواهد داشت، اما بسیار پیش می آید که شیطان و هوای نفس بر انسان غلبه می کند و اعمال خالصانه او را به آفت ریای بعد از عمل دچار می کند که این موجب نابودی و به اصطلاح «حبط» عمل می شود.

در روایت آمده است که گاهی شخصی عملی را خالصانه انجام می دهد و خداوند هم عمل او را در صندوقچه اعمال خالص سری یعنی در بالاترین مرتبه ممکن قرار می دهد، پس از مدتی همان شخص آن عملش را برای دیگری بازگو می کند وقتی برای اولین مرتبه آن را بازگو می کند، عملش یک مرتبه تنزل می یابد و در مرتبه اعمال خالص علنی قرار می گیرد و وقتی برای چندمین مرتبه بازگو می کند، عملش در زمره اعمال ریایی قرار می گیرد و در نتیجه همه پاداش ها و پیامدهای نیکش را از دست می دهد.

از آنچه گفته شد نتیجه می گیریم: ریا چهار نوع است:

۱. ریا در اعمال و رفتار ظاهری؛ ۲. ریا در اعتقادات و صفات و خصلت های روحی؛ ۳. ریای پیش از عمل؛ ۴. ریای پس از عمل.

از خداوند می خواهیم که همه ما را از خواب غفلت بیدار نماید و از ریاکاری در امان نگه دارد.

ادامه دارد